

رفتارشناسی پرندگان از منظر قرآن و زیست‌شناسی*

احمد کریمی** و مهرناز باشی‌زاده مقدم***

چکیده

در مجموعه آیات آفاقی قرآن کریم از حیوانات بسیاری نام برده شده است. در این میان پرندگان چه با نام‌های خاص و چه به صورت عام، پرتکرارترین واژه‌ها را در میان سایر حیوانات به خود اختصاص داده‌اند. بعضی رفتارهای عام پرندگان، هم‌چون پرواز، زندگی اجتماعی و رابطه با انسان‌ها شواهدی در علم رفتارشناسی زیستی دارد. اما برخی پرندگان، که در آیات قرآنی از آنها سخن رفته است، قابلیت‌های خاصی دارند که در مطالعات زیست‌شناسی مورد مشابهی از چنان رفتارهایی در گونه آنها تا کنون ذکر نشده است. این گونه پرندگان مطابق تفاسیر قرآنی، موجوداتی منحصربه‌فرد بودند که شعوری و رای شعور معمول پرندگانی هم‌سنگ خود داشتند و رفتارهای ویژه‌ای را به نمایش گذاشتند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به بررسی اشتراکات و افتراقات رفتاری پرندگان از منظر قرآن و زیست‌شناسی می‌پردازد و در مجموع نگاه قرآن به حیوانات و از جمله پرندگان را بیان می‌دارد. از نگاه قرآن حیوانات و از جمله پرندگان مرتبه‌ای از توحید و به تبع آن ایمان را دارا هستند و تسبیح‌گوی خالق خویش هستند، هرچند تا کنون ادله فیزیکالیستی و زیست‌شناختی بر این امر ارائه نشده است و همه انسان‌ها قادر به درک آن نیستند.

واژگان کلیدی: قرآن، پرندگان، رفتارشناسی جانوری، زیست‌شناسی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۵.

**. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث: Ahmad.Karimi@gmail.com

***. دانش‌آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول): mbashizadeh@yahoo.com

مقدمه

مبحث رفتارشناسی (Ethology) در علم جانورشناسی شامل هرگونه فعالیت قابل مشاهده و بیرونی جاندار یا موجود ذره‌بینی، گیاه یا جانور است. بسیاری از رفتارهای جانوران ماهیت غیراکتسابی و ژنتیکی داشته و برخی از آنها اکتسابی و آموختنی است. (اسکات، مبنای رفتارشناسی حیوانات، ۱۳۹۲: ۱۶) از سویی این رفتارها بیانگر مرتبه‌ای از شعور و ادراک در عالم جانوران است. در قرآن ۳۹ حیوان و حشره با (۶۳ تعبیر) نام برده شده‌اند (رضایی اصفهانی، علوم مهر، ۱۳۸۴: ۸۵). در این میان، پرندگان، پرتکرارترین حیوانات قرآنی هستند. در آیات گوناگون قرآن به دو روش از پرندگان نام برده شده است. الف) به صورت عام: که ریشه «طی‌ر» با همه مشتقات آن در قرآن، ۳۰ مرتبه و در معنای پرنده ۲۱ مرتبه به کار رفته است. ب) به صورت خاص: که از چهار پرنده به صورت اختصاصی در قرآن نام برده شده است. در این پژوهش تنها به رفتارشناسی پرندگان در معنای عام، که با مشتقات ریشه «طی‌ر» در معنای پرنده از آنها یاد شده و نیز رفتارشناسی پرندگان با نام‌های خاص قرآنی پرداخته می‌شود. پرسش این پژوهش این است که آیا آنچه در برخی آیات قرآنی در رابطه با رفتار پرندگان ذکر شده است، ما به ازای خارجی در علم زیست‌شناسی دارد یا خیر؟ تا کنون پژوهش‌هایی در مورد حیوانات و از جمله پرندگان از منظر قرآن صورت گرفته است، اما در این نوشتار کوشش شده است که مؤلفه‌های رفتاری پرندگان چه به صورت عام و چه به صورت خاص از منظر آیات قرآنی و رفتارشناسی زیستی، مورد بررسی قرار گیرد و موارد توافق و تعارض بیان گردد.

مفهوم‌شناسی پرندگان

۱. معناشناسی «طیر» در قرآن

در زبان عربی به هر حیوانی که بال داشته باشد و در هوا پرواز کند «طائر» گویند و جمع آن «طیر» است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۵۲۸؛ قرشی بنایی، قاموس قرآن، ۱۴۲۰: ۲۶۲/۴). بعضی لغت‌شناسان «طائر» را اسم جمع دانسته و جمع مکسر آن را «طیور» و «اطیار» عنوان کرده‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۵۰۸/۴). هم‌چنین در استعمال فعلی این ریشه تَطَیَّرَ فُلَانٌ و اِطَّيَّرَ: اصلش فال زدن به پرندگان است، اما درباره هر چیزی که با آن فال نیک یا فال بد بزنند به کار می‌رود (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۵۲۸).

۲. معناشناسی پرندگان در زیست‌شناسی

پرندگان مهره‌داران خون‌گرمی هستند که بال، پرو و یک منقار دارند. این حیوانات دندان ندارند، اسکلتی دارند که در آن استخوان‌های زیادی با هم ترکیب شده و نیز استخوان‌های زیادی نیز در آن غایب هستند. پرندگانی که پرواز می‌کنند استخوان‌های قوی، پوک و ماهیچه‌های پرواز قدرتمندی دارند. بیشتر پرندگان می‌توانند پرواز کنند. پرندگان یک قلب بسیار قوی و یک راه مؤثر تنفسی دارند که این اجزاء برای پرواز پرندگان لازم هستند. حشرات، پستانداران و دایناسورهای پرنده که پرواز می‌کنند هیچ‌کدام از گونه پرندگان نیستند (هیأت مؤلفان، زیست‌شناسی عمومی، ۱۳۷۸: ۷۱۵). به لحاظ زیست‌شناسی رفتارهای عمومی پرندگان شامل: ۱. پرواز دسته‌جمعی؛ ۲. پنهان‌شدن؛ ۳. آفتاب‌گرفتن؛ ۴. با منقار خود را تمیز کردن؛ ۵. آواز خواندن؛ ۶. دادن علائم هشدار؛ ۷. جستجوی غذا؛ ۸. جفت‌گیری و لانه‌سازی است. که البته این رفتارها در گونه‌های مختلف به صورت‌های گوناگون صورت می‌پذیرد (Moss, 2015:12).

رفتارهای عام پرندگان از منظر قرآن و زیست‌شناسی

در دسته‌ای از آیات قرآنی لفظ «طیر» در معنای عام به کار رفته است. در برخی از این آیات به رفتارهای ویژه پرندگان از جمله پرواز، زندگی اجتماعی و رابطه پرندگان با انسان‌ها اشاره شده است. اما در دسته‌ای دیگر از آیات، لفظ «طیر» اشاره به موارد دیگری غیر از بیان رفتار این موجودات دارد؛ آیاتی هم‌چون: احیاء پرندگان برای یقین پیامبری در مورد معاد ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/۲۶۰)؛ پرنده به عنوان معجزه پیامبری در احیاء اموات ﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (آل عمران/۴۹)؛ ﴿وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي﴾ (مائده/۱۱۰)؛ پرنده به عنوان غذای مطلوب بهشتی ﴿وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ﴾ (واقعه/۲۱)، و یا تعبیر پرنده‌ای که در رؤیا طعام می‌خورد ﴿... وَ قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَمِيلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ...﴾ (یوسف/۳۶)، و یا تشبیه

مشرك به عنوان طعمه و شكار پرنده ﴿... وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ...﴾ (حج/ ۳۱) یاد شده است. کاربردهای مذکور از آنجا که در بردارنده رفتار خاصی از این حیوانات نیست از دایر این پژوهش خارج است. آیاتی که در بردارنده رفتارهای عام پرندگان هستند می توان با توجه به مضمون آیه به موارد ذیل تقسیم کرد:

۱. پرواز پرندگان در آسمان

یک - دیدگاه قرآنی

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ قُوفَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ (ملک/ ۱۹)؛ «آیا پرندگانی را که بالای سرشان گاه بال های خود را گسترده و گاه جمع می کنند نگاه نکردند؟ جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد چرا که او به هر چیز بینا است». ﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نحل/ ۷۹)؛ «آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمان تسخیر شده اند نظر نيفكندند».

قرآن کریم در این آیات از موجوداتی سخن می گوید که برخلاف نیروی جاذبه و با داشتن ساختار فیزیکی و آناتومی خاص خود در هوا معلق می شوند و سقوط نمی کنند و این آیات با توجه به بخش پایانی آیه ﴿ما يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ انسان را به اندیشه در مورد آفرینش این موجودات و توانایی به ودیعه نهاده شده در آنها فرا می خواند تا به عظمت خداوند پی ببرد (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۲۳/ ۲۴). در این آیه با این که کلمه «طیر» مفرد است، افعال به صورت جمع به کار رفته است چرا که جنس مرغان مدنظر است نه یک مرغ، فلذا آیه اشاره به رفتار عمومی این گونه از حیوانات دارد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۵۹/ ۱۹). هم چنین در آیه (ملک/ ۱۹) به گشودن بال ها «صافات» و بستن آنها اشاره شده است، و این که برخی از پرندگان دائماً بال می زنند و برخی برای مدت طولانی بال های خود را در حین پرواز در آسمان گشاده نگه می دارند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۲۹/ ۱۰؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۱۹۹۷: ۲۲/ ۱۵). در هر دو آیه عبارت ﴿ما يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ﴾ و ﴿ما يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾ بیانگر قدرت خداوند در آفرینش چنین موجوداتی و به ودیعه نهادن چنین توانی در آنها توسط خداوند است.

دو- دیدگاه رفتارشناسی زیستی

از دیدگاه زیست‌شناسی از جمله خصوصیات پرندگان که آنها را از سایر گونه‌های جانوران جدا می‌کند - به استثنای حشرات و خفاشان که از رده پستانداران هستند - توانایی پرواز آنها است. آنها به دلیل ساختار منحصربه‌فرد بدنشان، که سبک، دارای استخوان‌های تو خالی و پوستی پوشیده از پر است، موجوداتی هوابرد شده‌اند. طبق مطالعات زیست‌شناسی گونه‌های مختلف پرندگان انواع گوناگونی از پرواز دارند، که شامل: ۱. اوج گرفتن با بال زدن؛ ۲. شیرجه زدن؛ ۳. معلق ماندن در فضا با بهره‌گرفتن از جریان‌های هوایی سرد و گرم است. پره‌ای پروازی در دم و در بال‌های پرندگان بلند و سخت است که این امکان را برای پرنده فراهم می‌سازد که از زمین بلند شود، در هوا معلق گردد و با جریانات هوایی مختلف حرکت کند. از سویی استخوان‌های قوی و تو خالی وزن آنها را به حداقل می‌رساند چنان‌که پرندگان در میان سایر جانداران به نسبت جثه کمترین وزن را دارند.

مکانیسم متعارف پرواز بال‌زدن است؛ یعنی بالا و پایین آوردن بال‌ها که اغلب برای بلندشدن از زمین و پروازهای کوتاه و مستقیم به کار می‌رود، اما برای مسافت‌های طولانی‌تر و یا ماندن در ارتفاع پرندگان ترجیح می‌دهند از روش‌های کم‌انرژی‌تر یعنی جریان هوا استفاده کنند. عقاب، شاهین و با و مرغان دریایی نیز از همین مکانیسم استفاده می‌کنند و تا جای ممکن سطح بال‌های خود را برای تماس با هوا می‌گسترانند تا در عین سرعت داشتن در پرواز به جلو پیش روند. این‌گونه پرندگان که اغلب بزرگ جثه هستند از جریان هوای گرم برای بالا رفتن استفاده می‌کنند و گاه با چرخیدن، استفاده از انرژی خود را به حداقل می‌رسانند. دانشمندان پرواز را با سایر مکانیسم‌های حرکتی مقایسه کردند و متوجه شدند که در قیاس با شناکردن و راه رفتن تفاوت بسیاری در آن وجود دارد. برای مثال چیتا که سریع‌ترین دوندۀ روی زمین است ۱۸ برابر طول بدنش را در یک ثانیه می‌پیماید، در حالی که یک پرندۀ مانند عقاب گاه ۷۰ تا ۸۰ برابر طول بدنش را در یک ثانیه طی می‌کند. این امر نه تنها پرندگان را قادر می‌سازد که زودتر به مقصد خود برسند بلکه خصوصاً در مورد پرندگان مهاجر آنها را قادر می‌سازد که مسافت‌های طولانی را بپیمایند. چنان‌که یک پرستوی کوچک در طی مهاجرت هزاران کیلومتر مسیر را طی می‌کند (Moss, 2015: 13-15).

سه - جمع‌بندی دیدگاه قرآنی و زیست‌شناسی در مورد پرواز پرندگان

آیات قرآنی به هر دو نحوه بال زدن و معلق ماندن پرندگان در هوا، همان‌طور که در رفتارشناسی زیستی این موجودات به آن پرداخته شده، اشاره کرده‌اند، اما به رفتارهای دیگر پرواز پرندگان از جمله اوج گرفتن و شیرجه زدن، در آیات قرآنی اشاره‌ای نشده است. شاید این امر به این دلیل باشد که آنچه به طور عمده و به صورت عام در مورد پرندگان به چشم می‌آید، بال زدن و معلق ماندن در آسمان است و البته در هر دو آیه مذکور این توانایی پرندگان به خداوند منتسب شده است.

۲. زندگی اجتماعی پرندگان

یک - دیدگاه قرآنی

«مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام / ۳۸)؛ «هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست، مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند».

در آیه مذکور برخی «امه» را جماعتی گفته‌اند که دین واحدی دارند و در یک مکان و زمان زندگی می‌کنند، چه این امر به جبر باشد یا به اختیار و برخی بر آن افزوده‌اند که صفات و افعال آن جمع نیز مشابه باشد (رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۴۱۴: ۷/ ۳۹۱). این آیه بیان می‌دارد که جنبندگان و پرندگان اممی مانند انسان‌ها دارند؛ ولی نحوه تشبیه جنبندگان و پرندگان را به انسان به طور صریح بیان نکرده است که آیا مثلثیت و تشبیه آنها به انسان از این منظر است که عموماً مخلوق خدایند، یا این که آنها هم مثل بشر به خدا ایمان دارند و او را حمد و تسبیح می‌نمایند، یا این که آنها هم اصناف و اقسامی هستند که به وسیله نامشان شناخته می‌شوند، چنان که انسان‌ها به وسیله نام و قبائل خود مورد شناسایی واقع می‌شوند؟ و یا ... از نظر برخی این شباهت تنها در کثرت و جماعت نیست، زیرا هر جماعتی را به صرف کثرت «امت» نمی‌گویند، بلکه باید آن جمع کثیر، جهت جامعی داشته باشند و هدفی (اجباری یا اختیاری) را دنبال کنند. با توجه به عبارت «ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» برخی چنین استدلال کرده‌اند که

می‌توان نتیجه گرفت این شباهت تنها در احتیاج به غذا و جفت‌گیری و ... نیست، بلکه وجه اشتراک دیگری است که آنها را در مسئله بازگشت به سوی خدا، شبیه انسان کرده است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۷/۷۳). با این وجود برخی این مماثلت را در کسب غذا، مرگ و احوال مشترک دیگر و وجود قادری مدبّر برشمردند (شبر، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۰: ۱۵۳/۱)، اما بعضی نیز مماثلت در این آیه را با توجه به واژه «امثالکم» مماثلت در تکلیف و جزا دانسته‌اند، با این تفاوت که تکلیف صاحبان عقل (انسان و جنّ) با تکلیف صاحبان شعور (حیوانات و پرندگان) متفاوت است، چنان‌که تکالیف صاحبان عقل نیز بر حسب مقدار عقلشان مختلف است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/۳۹۳؛ صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۵: ۷/۱۲-۱۴).

دو- دیدگاه رفتارشناسی زیستی

بسیاری از جانوران، از ماهی‌ها گرفته تا گاو میش‌ها و پرندگان به صورت گروهی زندگی می‌کنند. زندگی گروهی جانوران به لحاظ وسعت و تعداد افراد بسیار متفاوت است. اندازه گروه‌ها در یک گونه و نیز تعداد افراد در گروه‌های یک گونه متفاوت است و بستگی به عوامل متعدد دارد. این امر در اجتماعات گونه‌های انسانی نیز به چشم می‌خورد، چنان‌که ما شاهد روستایی کوچک تا شهرهایی بزرگ و پرجمعیت هستیم. از نگاه زیست‌شناسی دو رویکرد: ۱. کاربردی (Functional) ۲. مکانیکی (Mechanistic) نسبت به اندازه گروه‌های جانوری وجود دارد. در رویکرد کاربردی هزینه و نفعی که عضویت یک فرد در یک گروه موجب وسعت بهینه گروه می‌شود محاسبه می‌گردد. در رویکرد مکانیکی سعی می‌شود تنوع اندازه یک گروه با شواهد تجربی مورد توجه قرار گیرد و مکانیسم‌هایی که افراد برای پیوستن یا ترک گروه اعمال می‌کنند، پیش‌بینی می‌گردد (Sumpter, 2010: 15). با این مقدمه در مورد زندگی اجتماعی حیوانات، نگاهی ریزبینانه‌تر به زندگی اجتماعی پرندگان ما را به این مهم متوجه می‌سازد که در میان جانداران بسیاری از گونه‌های پرندگان به صورت اجتماعی زندگی می‌کنند و برخی گونه‌ها گه‌گاه و یا در فواصل زمانی معین گرد هم می‌آیند. یکی از بارزترین مثال‌های زندگی اجتماعی پرندگان برای ما، مشاهده دسته‌ای از غازهای وحشی است که در آسمان به صورت V شکل از بالای سر ما عبور می‌کنند، یا گروهی از سارها که نزدیک غروب در هوا

می چرخند و یا دسته‌ای از مرغان دریایی گرسنه که بر بالای بازار ماهی‌فروشان پرواز می‌کنند. الگوهای حرکتی این فوج‌ها شامل، حرکت به مدل ساعت شنی، گردابی، در یک ردیف و به صورت سهمی، نامنظم و دایره‌ای شکل است (Sumpter, 2010: 101). تشکیل اجتماعات پرندگان به دلایل مختلفی صورت می‌پذیرد از جمله: ۱. ایجاد فرصت‌های حداکثری برای یافتن غذا؛ ۲. گرم نگه داشتن یکدیگر؛ ۳. دور ماندن از شکارچیان و صیادان. نکته مهم برای پیوستن به گروه این است که مزایای زندگی جمعی باید بر معایب زندگی فردی بچربد. از سویی تشکیل گروه بستگی به متغیرهای متفاوتی دارد مثلاً در فصل جفت‌گیری و لانه‌سازی یک پرنده با یک یا دو پرنده از جنس مخالف در ارتباط است؛ چنان‌که برای مثال مرغان آوازه‌خوان برای دو تا سه هفته گروه را ترک می‌کنند و گروه‌های کوچک خانوادگی را می‌سازند که اعضای مختلف به غیر از جفت والدین مسئول خوابیدن و بعدها تغذیه جوجه‌ها می‌شوند. این پرندگان تا وقتی که غذای کافی در اختیارشان است و احساس امنیت نسبت به شکارچیان دارند لزومی به تشکیل گروه‌های بزرگتر نمی‌بینند. با این وجود وقتی فصل سرما فرا می‌رسد به دلیل کاهش نور روز و دشواری یافتن غذا، ترجیح بر این است که گروه‌های بزرگتر تشکیل دهند. بسیاری از پرندگان مانند پنگوئن‌ها برای محافظت خود در برابر سرما در گروه‌های بزرگ گرد هم می‌آیند؛ و بسیاری از پرندگان دیگر مانند مرغان دریایی و جغدها، از لانه‌ها و قلمرو گروه محافظت می‌کنند و اگر شکارچی قصد نزدیک شدن به این قلمرو را داشته باشد با برخورد سختی از جانب آنها مواجه می‌شود (Moss, 2015: 18-19).

سه - جمع‌بندی دیدگاه قرآنی و زیست‌شناسی در مورد زندگی گروهی پرندگان

آیه (انعام/ ۳۸) به وجود اجتماعات جانوران و پرندگان هم‌چون انسان‌ها بدون بیان وجه مماثلت و به صورت مطلق اشاره دارد. این‌که در این آیه به صورت خاص به اجتماعات پرندگان در کنار زندگی اجتماعی سایر موجودات اشاره شده خود بیانگر این است که در کلام وحی زندگی اجتماعی پرندگان به صورت ویژه مورد توجه است. در رویکرد زیست‌شناسی تکاملی همه موجودات تنها برای انتفاع منافع زیستی خود تشکیل گروه و اجتماع می‌دهند، اما در تفاسیر قرآنی رویکرد دیگری نیز در این زمینه بیان شده و وجه مماثلت دیگری میان انسان‌ها و حیوانات با توجه به بخش انتهایی آیه «مَا قَرَرْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» عنوان

شده است که نخست: مکلف بودن این حیوانات در حد قابلیت‌های ادراکی آنها و وجود نظام جزا و پاداش برای آنها است و دوم: بازگشت حیوانات، همانند انسان‌ها به سوی خدا. به نظر می‌رسد چنین تلقی از تکلیف و بازگشت سایر موجودات به سوی پروردگار، با توجه به آیاتی که موجودات هستی، غیر از انسان را تسبیح کننده می‌شمرد و آنها را دارای مرتبه‌ای از ادراک و ایمان نسبت به خالق خویش معرفی می‌کند، پذیرفتنی است. اما قطعاً این دیدگاه با رویکرد فیزیکالیستی به موجودات هستی توافقی ندارد.

۳. رابطه‌ی پرندگان و انسان‌ها

یک - دیدگاه قرآنی

﴿وَالطَّيْرِ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ﴾ (ص/ ۱۹)؛ «و پرندگان را از هر سو [بر او] گرد [آوردیم] همگی [به نوای دلنوازش] به سوی او بازگشت کننده [و خدا را ستایشگر] بودند».

﴿وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبُحْنَ وَالطَّيْرِ﴾ (انبیاء/ ۷۹)؛ «و کوه‌ها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم».

در دو آیه مذکور از همراهی پرندگان با پیامبر خدا داود علیه السلام سخن رفته است. ممکن است خداوند در پرندگان قدرت شناختی نهاده که امر و نهی داود علیه السلام را می‌فهمیدند و از او پیروی می‌کردند (فیض کاشانی، تفسیر صافی ۱۴۱۵: ۷۳۲/۸؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۵۵۰/۸). از همین رو گفته شده کلمه «مَحْشُورَةٌ» (ص/ ۱۹) از ماده «حشر» به معنای جمع‌آوری به زور است و معنای جمله این است که: ما پرندگان را هم تسخیر کردیم با داود علیه السلام، که بی‌اختیار و به اجبار دور او جمع می‌شدند و با او تسبیح می‌گفتند. در همین مورد حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که داود به بیابان می‌رفت و زبور تلاوت می‌کرد و هنگام تلاوت او هیچ کوه، سنگ و پرنده‌ای نبود، مگر این‌که با او هم صدا می‌گشت (عروسی حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۴/۳۱۶).

﴿وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ﴾ (نمل/ ۱۷)؛ «و برای سلیمان سپاهیان از جنّ و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته دسته گردیدند».

﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾ (نمل/ ۱۶)؛ «و سلیمان از داود میراث یافت و گفت: ای مردم، ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم».

در دو آیه اخیر از رابطه پیامبر دیگری با حیوانات و اختصاصاً ارتباط با پرندگان سخن رفته است. ما در بخش پرندگان خاص قرآنی به هدهد و جایگاه او در لشکر سلیمان علیه السلام خواهیم پرداخت. اما آن چه از مضمون این دو آیه برمی آید این است که در لشکر حضرت سلیمان علیه السلام حیوانات و پرندگان جایگاه خاصی داشتند. چنان که محمد بن کعب می گوید: به ما رسیده است که لشکرگاه سلیمان صد فرسنگ بود، ۲۵ فرسنگ برای انسان، ۲۵ فرسنگ برای جن، ۲۵ فرسنگ برای وحوش، ۲۵ فرسنگ برای مرغان (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۳۶/۷). در مورد نطق پرندگان و آگاهی پیامبر خدا از آن در تفسیر آمده است که کلمه نطق و منطق هر دو به معنای صوت یا اصوات متعارفی است که از حروفی تشکیل یافته و طبق قرار داد واضح لغت، بر معانی مورد نظر ناطق دلالت می کند و در اصطلاح این اصوات را «کلام» می گویند. راغب معتقد است: این دو کلمه جز بر سخنان انسان اطلاق نمی شود، مثلاً به صدای گوسفند و یا گنجشک نطق یا منطق گفته نمی شود، ولی در قرآن کریم در معنایی وسیع تر استعمال شده و آن عبارت است از دلالت هر چیزی بر مقصودش، مثلاً در قرآن کریم دلالت پوست بدن را نطق خوانده است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۵/۳۵۰). از سویی در آیه (نمل/ ۱۶) اشاره مستقیم به منطق الطیر یعنی زبان پرندگان شده که به سلیمان نبی علیه السلام آموخته شده است و این مطلب دلالت بر این امر می کند که پرندگان دارای گفتار و زبان مخصوصی هستند که توسط آن باهم گفت و گو می کنند و درک این زبان از طریق یادگیری برای برخی افراد با بررسی اصوات پرندگان به صورت اجمال ممکن است، اما تعلیم آن موهبتی الهی است که فقط نصیب سلیمان علیه السلام نبی شده است (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۹۴/۱۷).

دو- دیدگاه رفتارشناسی زیستی

رابطه انسان ها و پرندگان از دیرباز در بسیاری جوامع وجود داشته و با توجه به فرهنگ و ادوار تاریخی گوناگونی های بسیاری را نشان می دهد. انسان ها گونه های مختلفی از پرندگان را در اختیار خود می گرفتند تا از آنها به شیوه های مختلف بهره برند. استفاده از گوشت و تخم و پر آنها رایج ترین این موارد بوده است. از سویی برخی پرندگان به صورت دست آموز تربیت می شدند، چنان که کبوتران نقشی مهم در جنگ ها داشتند و مسافت های طولانی را می پیمودند تا پیامی را مخابره نمایند. بسیار از آن ها هم چون طوطی ها از حیات وحش طبیعی خود منفک

شدند و به عنوان حیوانات خانگی مورد توجه و آموزش قرار گرفتند. جایگاه پرندگان خانگی در دهه‌های اخیر چنان رونق گرفته که حتی برخی مؤسسات از آنها برای کمک، راهنمایی و درمان تنهایی افراد پیر و معلولان بهره می‌گیرند (AAT (Animal Assisted Therapy)). شاید دلیل این امر قابلیت‌هایی هم‌چون پرواز، آوازخوانی، جثه کوچک و رنگانگ پرندگان و توانایی مهارت‌های اکتسابی در این موجودات است (Anderson, 2008: 18).

بعضی پرندگان به سرعت و برخی کندتر پاره‌ای از عادات را فرا می‌گیرند؛ دست‌آموز شدن، نرسیدن از انسان‌ها و موجودات دیگر از جمله این رفتارها است. اگرچه تجربه نشان داده که تعداد و دامنه رفتارهای اکتسابی پرندگان محدود است، ولی نمونه‌هایی دیده شده که پرندگان در یادگیری پیشرفت کرده و گاه از روی بصیرت، آگاهی و اطلاع دست به یک سلسله اعمال جالب زده‌اند. به استثنای انسان‌ها که با هم حرف می‌زنند، بهترین و جالب‌ترین نمونه سیستم ارتباط حیوانات برای ما انسان‌ها، صدای پرندگان است. پرندگان نر معمولاً مقدار قابل ملاحظه‌ای از وقت و انرژی خود را صرف توسعه و تولید صدا می‌کنند. مطابق تحقیقات بسیاری که انجام شده کمتر ماده‌ها رفتار خواندن دارند. ایجاد صدا اغلب در پرندگان برای ۱. جفت‌یابی؛ ۲. انتقال اطلاعاتی هم‌چون مکان و غذا؛ ۳. هشدار وجود دشمن و شکارچیان است (اسکات، مبانی رفتارشناسی حیوانات: ۹۶-۹۸).

هم‌چنین شواهدی علمی حاکی از آن است که برخی پرندگان قادرند واژگان انسانی را در بانک واژگان خود به خاطر بسپارند و با آن عبارت و جملات جدید درست کنند و این‌گونه دیوار بین زبان انسان و این موجودات قابل شکستن است. یکی از دانشمندان به نام هادسن که در زمینه زبان پرندگان به مطالعه پرداخته است ادعا کرده است که شواهدی در دست است که نشان می‌دهد پرندگان ویژگی‌های انتقال فرهنگی، لهجه و دوره حساس فراگیری زبان که از ویژگی‌های زبان انسان به شمار می‌آید، دارا می‌باشند وی هم‌چنین بر این باور است که زبان پرندگان تا حدودی دارای خلاقیت است (منصوری، اختصاص زبان به نوع انسان از منظر زبان‌شناسی و قرآن کریم، ۱۳۹۵: ۴). با همه این اوصاف دو رویکرد در خصوص زبان حیوانات وجود دارد. بر پایه رویکرد نخست، زبان در حیوانات نیز دارای برخی از ویژگی‌های عالی که خاص زبان انسان فرض شده است می‌باشد. در این رویکرد به وضوح بر مشاهده هرچند بسیار محدود ویژگی‌هایی

چون انتقال فرهنگی، جابه‌جایی، خلاقیت و دوره حساس فراگیری زبان در حیوانات تأکید می‌شود و به وجود زبان در این موجودات پیچیده‌تر از آنچه که تصور می‌شود، تأکید می‌گردد. رویکرد دیگر، رویکردی است که شاخص‌ترین مدعی آن چامسکی است و معتقد است تصور زبان در هر موجود دیگری غیر از انسان غیر معقول می‌باشد (منصوری، اختصاص زبان به نوع انسان از منظر زبان‌شناسی و قرآن کریم، ۱۳۹۵: ۵).

سه - جمع‌بندی دیدگاه قرآنی و زیستی‌شناسی در مورد ارتباط پرندگان با انسان‌ها

این‌که برخی گونه‌های پرندگان رابطه نزدیک‌تری با انسان‌ها دارند، موضوعی است که از نظر رفتارشناسی جانوری مورد بررسی قرار گرفته و بر روی شواهد موجود مطالعات دامنه‌داری صورت گرفته است. از این رو در اصل رفتارهای ارتباطی پرندگان با انسان‌ها و از جمله رفتارهای ارتباطی نطق پرندگان از منظر زیست‌شناسی و دیدگاه قرآنی اختلافی نیست. اما دامنه این رابطه هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی از منظر قرآن و زیست‌شناسی اختلاف‌هایی دارد.

با این‌که قرآن آموختن ﴿بیان﴾ (الرحمن/ ۴) را از ویژگی‌های انسان می‌شمرد و یادگرفتن ﴿اسماء﴾ را (بقره/ ۳۱) به انسان نسبت می‌دهد، اما با توجه به ظهور آیه (نمل/ ۲۶) دو نکته قابل توجه است: نخست پرندگان دارای زبان هستند و دوم زبان پرندگان یادگرفتنی است (منصوری، اختصاص زبان به نوع انسان از منظر زبان‌شناسی و قرآن کریم، ۱۳۹۵: ۷). چنان‌که پیشتر در دیدگاه‌های تفسیری بیان شد، نطق منحصر به انسان نیست و دلالت هر چیزی بر مقصودش می‌تواند در معنای نطق باشد، چنان‌که پرندگان آواها و صداهایی برای ارتباط با سایر پرندگان در گونه خود دارند، که ممکن است برای انسان‌ها فهم و شناسایی آن غیرممکن باشد (اسراء/ ۴۴). لذا می‌توان با توجه به آیات قرآنی دو نکته را در اینجا مورد توجه قرار داد: نخست در شرایط ویژه و به اذن پروردگار پرندگان و سایر حیوانات می‌توانند سخن بگویند، آنهم نه تنها سخن گفتنی عادی، بلکه می‌توانند در سخن گفتن خود برداشت‌های انتزاعی و استنتاج‌هایشان را از رویداد یا وضعیتی خاص بیان دارند، چنان‌که در گزارش هدهد، دوری و نزدیکی یک سرزمین، جنسیت ملکه سبا، ایمان و کفر مردمان آن سرزمین بیان شد. دوم برخی افراد چون پیامبران و اولیاء الهی متعلّم به زبان پرندگان هستند و می‌توانند مقصود و معنای آواها و زبانی که این موجودات به گونه خود سخن می‌گویند را دریابند. بهر روی چه توانایی سخن گفتن

حیوانات به زبان انسان‌ها باشد و چه افرادی توانایی درک پیام‌های آوایی سایر موجودات را داشته باشند، این مسئله اگرچه امری غیرممکن در عالم زیست‌شناسی نیست، اما حداقل تا روزگار کنونی پدیده عام نبوده و در مراتب عالی آن خرق عادت است.

رفتارهای خاص پرندگان از منظر قرآن و زیست‌شناسی

در قرآن از برخی پرندگان با نام اختصاصی یاد شده و برای برخی از آن پرندگان رفتاری خاص ذکر شده است این گروه پرندگان شامل: ۱. غراب؛ ۲. هدهد؛ ۳. نسر؛ ۴. سلوی؛ ۵. طیراً ابابیل هستند. از آنجا که برای «نسر» (عقاب) و «سلوی» (بلدرچین) رفتار خاصی ذکر نشده است ما از پرداختن به آیاتی که در بردارنده نام این دو پرنده هستند دوری می‌کنیم. هم‌چنین در مورد «طیر ابابیل» باید گفت اگر چه نام این پرندگان به صورت اختصاصی در قرآن آورده نشده اما از آنجا که این پرندگان رفتار تهاجمی خاصی نشان داده‌اند ما آیه مرتبط با آنها را در این بخش مورد بررسی قرار داده و در بخش پرندگان خاص قرآنی به آنها می‌پردازیم.

۱. غراب (کلاغ)

یک - دیدگاه قرآنی

﴿قَبَعَتَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيَرْيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْآتَ أَخِيهِ﴾ (مانده/ ۳۱) پس خداوند زاغی را برانگیخت که زمین را (برای دفن چیزی) می‌کند، تا به وی نشان دهد که چگونه جسد برادرش را که نباید دیده شود پنهان سازد.

این آیه شریفه دلالت بر این دارد که قاتل (قابیل) بعد از ارتکاب قتل مدتی در کار خود متحیر مانده، و از این بیمناک بوده که دیگران از جنایت او خبردار شوند و فکر می‌کرده که چه کند تا دیگران به جسد مقتول (هابیل) برخورد نکنند، تا آن‌که خدای تعالی کلاغی را برای تعلیم او فرستاد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۵/ ۳۰۶). برخی گفته‌اند خداوند کلاغی را مبعوث کرد تا بر جسد هابیل که رها شده بود خاک بریزد چنان‌که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) ذکر شده و گفته شده آن کلاغ در واقع فرشته‌ای بود که در صورت حیوان متمثل شد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۲۸۶/۳). آنچه در ظهور آیه وجود دارد و برخی تفاسیر نیز ذکر کرده‌اند این است که کلاغی شروع به حفر زمین کرد گویی در اعماق آن به دنبال چیزی می‌گشت و این عمل خود راهنمای قابیل برای

دفن برادرش شد (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۸/ ۱۳۵)، چنان که بسیاری از حیوانات دارای یک سلسله معلومات غریزی هستند که بشر در طول تاریخ خود آنها را از این موجودات آموخته و دانش خود را با آن تکمیل کرده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴/ ۳۵۲).

دو- دیدگاه رفتارشناسی زیستی

کلاغ‌ها (Corvidea) بیشتر به دلیل تخریب مزارع کشاورزی مورد توجه هستند و معمولاً با رفتارهای سازش‌پذیر، هوشمندانه و هم‌چنین صدای بلندشان شناخته می‌شوند. این پرندگان مهارت‌های ارتباطی بسیاری دارند، چنان‌که اگر با انسان بدرفتاری مواجه شوند، به سایر کلاغ‌ها می‌آموزند که چگونه آن فرد را شناسایی کنند. به عبارت دیگر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کلاغ‌ها به‌ندرت چهره افراد را از یاد می‌برند چرا که آنها مانند پنگوئن‌ها از ویژگی‌های بصری خاصی برخوردارند. برخی از گونه‌های آنها مهاجرت می‌کنند و برخی عموماً یک‌جا ساکن هستند و فقط در صورت لزوم به قلمروهای گرم‌تر می‌روند. کلاغ‌ها اغلب اجساد مرده را از محیط پاک‌سازی می‌کنند و در محیط‌های شهری سطل‌های زباله را واژگون و از محتویاتش تغذیه می‌کنند. از معروف‌ترین پرندگانی که دارای مراسم تدفین است، زاغی به‌نام مگپایز (Magpies) است که این پرنده نیز از دسته کلاغ‌ها محسوب می‌شود. در تمامی منابع علمی دفن مرده در این نوع پرنده‌ها تایید شده است. نکته بسیار جالب‌تر این است که این کلاغ در مراسم تدفین گل به مرده تقدیم می‌کند. مسأله تدفین در این نوع کلاغ‌ها توسط دانشمندان دانشگاه کلورادو نیز تایید شده است. یکی از محققین دانشگاه کلورادو اشاره کرده است که زاغ‌ها زمین را با نوک سوراخ می‌کنند و جسد را در آن قرار می‌دهند (Harrison & Greensmith, 1996:384).

سه- جمع‌بندی دیدگاه قرآنی و زیستی‌شناسی در مورد رفتار غراب (کلاغ)

آنچه در ظهور آیه در مورد زیر و رو کردن خاک و یا تدفین جسد کلاغ مرده‌ای توسط کلاغ دیگری آمده است کاملاً با رفتار زیستی این حیوان مطابقت دارد. فرقی نمی‌کند که حضور این کلاغ اتفاقی باشد و یا چنان‌که در روایت تفسیری آمده این حیوان در زمان و مکانی خاص در پی امری تعلیمی به دستور خداوند آمده باشد، به هر روی آنچه از رفتار کلاغ در آیه مورد بحث مورد توجه واقع شده کاملاً مطابق با رفتار گونه این پرنده است.

۲. ههد

یک - دیدگاه قرآنی

در مورد ههد، حکایتی در چند آیه ذکر شده است که در ابتدایی ترین آیه نام ههد به صورت خاص آمده است ﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ﴾ (نمل/ ۲۰)؛ «و پرندگان (سپاهش) را رسیدگی کرد، پس گفت: مرا چه شده که ههد را نمی بینم یا آنکه او از غایبان است؟».

راغب «تفقد» در این آیه هم معنا با «تعهد» می داند، لیکن حقیقت تفقد این است که آدمی متوجه فقدان چیزی شود، به خلاف تعهد که به معنای توجه به عهد گذشته است. در این آیه به صورت استفهام از غیبت ههد پرسیده می شود و این گونه بیان می گردد که از او انتظار چنین کاری نمی رفت. ﴿لَا عَذَابَ لَهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحْنَهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ﴾ (نمل/ ۲۱) سلیمان علیه السلام در این گفتار خود، ههد را محکوم می کند به یکی از سه کار، یا عذاب شدید و یا ذبح شدن و یا آوردن دلیلی قانع کننده تا خلاصی یابد. در ادامه در آیه بعد دلیل غیبت ههد بیان می شود؛ او از ملکه سباء خبری آورده است؛ ﴿فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ﴾ (نمل/ ۲۲) آنچه از آیه فهمیده می شود این است که آگاهی ههد آگاهی کامل بوده چرا که لفظ «احطت» را می آورد و از سویی فاصله زمانی و مکانی سلیمان علیه السلام و ههد بسیار بوده است. او سپس به گزارش ملک و فرمانرایی ملکه سباء با جزئیات می پردازد؛ ﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ (نمل/ ۲۳)، ﴿وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ﴾ (نمل/ ۲۴) ههد بیان می کند که فرمانروای سرزمین سباء زنی بود ﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً﴾ تختی بزرگ داشت ﴿لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ و قوم او خورشید را می پرستیدند و شیطان اعمال آنها را برایشان آراسته بود و آنها را از راه حق بازداشته بود ﴿وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ﴾. در ادامه ههد از ادعای توحیدی خود سخن ۱۰۹ می گوید ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ (نمل/ ۲۶) و سلیمان مأموریت دیگری بر او واگذار می کند که بردن و رساندن نامه به ملکه سباء است؛ ﴿أَذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾ (نمل/ ۲۸) (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۵/ ۳۵۴-۳۵۷). برخی

بیان کرده‌اند که علت تفقد سلیمان (علیه السلام) از هدهد این بود که این پرنده در سفر جاهایی که آب بود شناسایی می‌کرد چنان‌که عیاشی می‌گوید: ابوحنیفه از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چرا سلیمان از میان همه مرغان فقط هدهد را جستجو کرد؟ فرمود: به خاطر این‌که هدهد آب را در دل زمین می‌بیند، همان‌گونه که شما روغن را در شیشه می‌بینید. برخی گفته‌اند: علت این‌که سلیمان (علیه السلام) هدهد را جست‌وجو کرد، این بود که به نوبت خود اخلاص کرده بود. برخی نیز گفته‌اند: مرغان با پر و بال خود بر سر سلیمان (علیه السلام) سایه می‌انداختند و چون هدهد جای خود را خالی کرده بود، آفتاب بر سر سلیمان (علیه السلام) تأیید و معلوم شد که هدهد غایب است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۴۰/۷). آنچه از آیات ذکر شده در مورد هدهد فهمیده می‌شود این است که این موجود یک حیوان معمولی نبوده، بلکه شعوری شبیه شعور انسان‌ها داشته است چنان‌که قادر بوده به لحاظ جغرافیایی به سرزمین دور دست برود به مکان اولیه برگردد و بار دیگر همان نامه را به مکان قبلی ببرد. او تحلیل خود از قلمرو یک ملکه، جنسیت او، کفر و ایمان ساکنان آن سرزمین را با جزئیات بیان کرده است. پس نمی‌توان تنها قول روایت تفسیری را در مورد این‌که هدهد محل وجود آب را شناسایی می‌کرده و یا سایه بر سلیمان نبی (علیه السلام) می‌افکنده، پذیرفت.

دو- دیدگاه رفتارشناسی زیستی

هدهد یا شانه‌به‌سر (Upupa epops) از راسته سب‌قاسانان است. این گونه تنها بازمانده از خانواده زیستی خود هدهدیان است. بیشتر انواع این گونه در شمال آفریقا، آسیا و جنوب اروپا دیده شده‌اند. اندازه هدهد ۲۵ تا ۲۹ سانتی متر است و طول بال‌هایش به ۴۴ تا ۴۸ سانتی متر می‌رسد. این پرنده سیاه و سفید و صورتی در واقع یکی از بی‌اشتباه‌ترین پرنده‌ها در تشخیص است، مخصوصاً پرواز نامنظم این پرنده بی‌نظیر است. کاکل شانه‌مانند این پرنده بیشتر اوقات بسته است. هدهد روی زمین مانند سار حرکت می‌کند. آشیانه این پرنده در داخل سوراخی در دیوار و یا تنه درختان است. این پرندگان مرغان آوازه‌خوانی هستند و به خاطر صدای هوووووو پووووو مانند آنها در زبان انگلیسی هوپو (Hoopoe) نامیده شده‌اند (منصوری، پرندگان ایران، ۱۳۷۹: ۲۳۸). هدهدها رفتارهای دفاعی خود را دارند، یکی از تکنیک‌های آن‌ها دراز کشیدن روی زمین و گستردن بال‌ها و پخش کردن دوشان و نگاه داشتن متقارشان به صورت مستقیم است.

هددها غالباً پرندگان اجتماعی نیستند و معمولاً به صورت تک یا جفت دیده می‌شوند. اغلب آنها تک همسر هستند و در صورت مرگ جفتشان سراغ جفت دیگری می‌روند. این پرندگان لانه اختصاصی نمی‌سازند و اغلب در حفره‌های درختان زندگی می‌کنند. هددها اغلب پرندگان مهاجر نیستند و مسافت‌های طولانی را نمی‌پیمایند (Harrison & Greensmith, 1996:228).

از نقطه نظر زیست‌شناسی پرندگان زیادی در فواصل زیاد پرواز می‌کنند و به محل سکونت خود باز می‌گردند. بسیاری از حیوانات در طول سفرهای کوتاه و طولانی خود از کلیدهای راهنمایی هم‌چون خورشید، ستاره‌ها و میدان‌های نوری قطبی به‌عنوان اجزاء نقشه سفر استفاده می‌کنند. در میان برخی از حیوانات که درکی از میدان‌های مغناطیسی زمین دارند پرندگان مهاجر کاملاً این ادراک را داشته و از آن استفاده می‌کنند. چنان‌که با اختلال میدان مغناطیسی بسیاری از پرندگان قادر به جهت‌یابی و یافتن مسیر لانه نیستند (اسکات، مبانی رفتارشناسی حیوانات، ۱۳۹۲: ۸۵). بسیاری از حیوانات رفتارهای اکتسابی دارند که یا بر اثر شرایط زیستی و یا تعامل با انسان‌ها می‌آموزند. چه بسا دستورات ساده‌ای که به تدریج بر اثر آموزش توسط انسان در یک حیوان رفتاری کاملاً پیچیده را نتیجه می‌دهد و البته ما می‌توانیم از مدل‌های ریاضی برای پیش‌بینی این رفتارها استفاده کنیم (Sumpter, 2010:198).

سه - جمع‌بندی دیدگاه قرآنی و زیستی‌شناسی در مورد هددها

در مورد هددها از منظر قرآنی حداقل دو رفتار را به تفکیک می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱. گفت‌وگوی هددها با سلیمان نبی (علیه السلام)؛ ۲. سفر به سرزمینی دور دست و بازگشت به سرزمین مبدأ. پیشتر در بخش رابطه پرندگان و انسان‌ها در مورد نطق و گفت‌وگوی پرندگان و از جمله هددها سخن گفتیم. در اینجا به طور خاص رفتار هددها در سفر به سرزمینی دور دست و آوردن گزارش آن سفر را مورد توجه قرار می‌دهیم. این‌که هددها مسافت دوری را تا سرزمینی دیگر رفته و سپس به مبدأ خویش بازگشته است امری غیر ممکن در میان پرندگان نیست؛ چه بسا بسیاری از پرندگان هزاران کیلومتر در ایام خاص مهاجرت می‌کنند و به سرزمین ابتدایی خود باز می‌گردند، چنان‌که در دیدگاه رفتارشناسی زیستی از آن سخن رفت، اما آنچه در مورد رفتار گونه‌های کنونی هددها بیان شده این است که این حیوانات پرندگان مهاجر نیستند و اغلب مسافت‌های طولانی را طی نمی‌کنند. از سویی در مورد اهمیت هددها، در لشگر

سلیمان علیه السلام نمی توان به این قول روایی بسنده کرد که هدهد تنها به این دلیل که جای آب را تشخیص می داده و یا بال های او سایه بر سر سلیمان می افکنده، غیبتش مورد توجه واقع شده است، چنان که این موضوع با سیاق آیات این بخش و گفت و گوی سلیمان علیه السلام نیز هم خوان نیست و ظاهراً اهمیت هدهد در لشکر سلیمان بیش از یافتن آب بوده است. اما آنچه در آیات قرآنی مورد توجه است رفتارهای ادراکی خاص هدهد در آیات مورد بحث و گزارشی است که او در مورد ملکه سبا و ایمان و کفر مردمان آن سرزمین داده است. اگرچه در دید کلی و با توجه به ادراک توحیدی حیوانات از منظر قرآنی، این درک و گزارش دادن هدهد امری ممکن است، چنان که با باور به این که همه موجودات فقیران درگاه الهی هستند، جای تردید باقی نمی ماند (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۵۵۱/۲۴) که اگر خدا بخواهد این ادراک را به هر حیوانی الهام می کند (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۳۶۱/۳) اما در گونه هدهدهای امروزی و در مطالعات زیست شناسی هیچ گزارشی از این دست توانایی ها در مورد گونه این پرنده ذکر نشده است. چنان که در دیدگاهی تفسیری نیز بیان شده است، آنچه هدهد قرآنی برای سلیمان علیه السلام بیان کرده میزان فهم خود اوست نه سایر پرندگان و هم نوعان هدهد (مغنیه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۱۶/۶).

۳. طیاراً ابابیل

یک - دیدگاه قرآنی و تفسیری

﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (فیل/۳)؛ «و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد». برخی این پرندگان مهاجم را یک دسته و بنابر نظر مشهور، پرستو دانسته اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷۵۲/۲). بعضی روایات نیز این پرندگان را چنین وصف کرده اند: پرندگانی شکاری بودند که سری شبیه درندگان و پنجه هایی شبیه پرندگان گوشت خوار داشتند (فیض کاشانی، تفسیرالصفافی، ۱۴۱۵: ۳۷۷/۵). در تفسیر آمده که ابابیل به معنای جماعت متفرق و دسته دسته است و معنای آیه این است که: خدای تعالی جماعت های متفرقی از مرغان را بر بالای سر آنان فرستاد و این آیه، و آیه بعدی آن عطف تفسیر است و ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ یعنی آن ابابیل مرغان اصحاب فیل را با سنگ هایی کلوخین هدف گرفتند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۶۲/۲۰).

دو- دیدگاه رفتارشناسی زیستی

اغلب حیوانات از جمله پرندگان رفتارهای دفاعی دارند، این رفتارهای دفاعی اغلب برای حفظ قلمروشان است. قلمرویی که در آن زندگی می‌کنند و لانه، جفت و جوجه‌های آنها در آن است و در آن غذا پیدا می‌کنند. پرندگان به انحاء مختلف رفتارهای دفاعی و تهاجمی از خود نشان می‌دهند:

۱. آواز خواندن و فریاد کشیدن؛
۲. ساخت لانه‌ای با ویژگی‌های ساختاری خاص؛
۳. صدایی مانند طبل نواختن، ایجاد کردن صدا با بهم زدن بال‌ها؛
۴. تغییرات بصری (تغییر رنگ بال‌ها، افزایش حجم بدن و...)
۵. دنبال کردن شکارچی (Mandel, 2012, 121).

در پژوهش‌های رفتارشناسی زیستی رفتارهای تهاجمی و دفاعی برخی حیوانات از جمله پرندگان مانند: سارها، کلاغ‌ها و حتی مرغان دریایی گزارش شده‌است و بیان شده که گاه پرندگان برای دفاع از پرتاب اشیاء استفاده می‌کنند، چنان‌که پرتاب صدف‌های دریایی توسط مرغان دریایی متداول است (Ed by: lovette & Fitz Patrick, 2016, p552).

سه - جمع‌بندی دیدگاه قرآنی و زیستی‌شناسی در مورد طیراً ابابیل

با آنکه در برخی پرندگان رفتارهای تهاجمی و دفاعی دسته جمعی، از جمله پرتاب برخی اشیاء و سنگ برای محافظت از لانه یا قلمروی زیستی گزارش شده‌است، اما در آیه قرآنی ﴿وَأَرْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (فیل/ ۳) تصریح به این است که رفتار این پرندگان با آگاهی خاص و در پی اجرای فرمان الهی برای در هم شکستن لشکر فیل صورت گرفته‌است و این پرندگان مهاجم کاملاً رفتاری هوشمندانه و آگاهانه را به نمایش گذاشتند و نه صرفاً واکنشی غریزی به احساس خطر برای محافظت از قلمروشان.

نتیجه

آنچه از کنار هم قرار دادن آیات قرآنی و تفاسیر آنها و مطالعات رفتارشناسی زیستی در مورد پرندگان به دست می‌آید، این است که بیشتر رفتارهایی که در مورد پرندگان چه به صورت

عام و چه به صورت خاص در آیات قرآنی ذکر شده، اموری دور از ذهن و تحقق‌ناپذیر در عالم زیست‌شناسی نیست، اگرچه رفتارهای برخی پرندگان قرآنی از جمله هدهد و پرندگان مهاجم به اصحاب فیل، بسیار خاص‌تر و هوشمندانه‌تر از آن چیزی است که ما در عالم واقع در مورد این موجودات شاهد هستیم و در حقیقت ما نظیری برای آن گزارش‌ها در رفتارشناسی زیستی نداریم. در جدول ذیل خلاصه اشتراکات و افتراقات بررسی رفتارشناسی پرندگان از منظر قرآن و زیست‌شناسی آمده است:

نام پرنده	رفتار	ارجاع قرآنی	دیدگاه زیستی	توافق یا تضاد
طیر (پرنده) به صورت عام	پرواز	﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ قُوفَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ (ملک/۱۹) ﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نحل/۷۹)	۱. اوج گرفتن با بال زدن؛ ۲. شیرجه زدن؛ ۳. معلق ماندن در فضا.	در آیات قرآنی فقط به بال زدن و معلق ماندن اشاره شده است.
طیر (پرنده) به صورت عام	زندگی اجتماعی	﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ يُجْنَحِيهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (انعام/۳۸)	۱. ایجاد فرصت‌های حداکثری برای یافتن غذا؛ ۲. گرم نگهداشتن یکدیگر؛ ۳. دور ماندن از شکارچیان و صیادان.	وجه مماثلت پرندگان و انسان‌ها در ایجاد اجتماعات در درجه نخست انتفاع زیستی است، اما در نگره قرآنی حشر و بازگشت آنها به سوی خدا از جمله مماثلات اجتماع پرندگان و انسان‌هاست.
طیر (پرنده) به صورت عام	رابطه با انسان‌ها نطق	﴿وَالطَّيْرِ مُحْشُورَةً كُلِّ لَهُ أَوَّابٌ﴾ (ص/۱۹) ﴿وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبَحْنَ وَالطَّيْرِ﴾ (انبیاء/۷۹) ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾ (نمل/۱۶)	۱. ایجاد ارتباط با انسان‌ها؛ ۲. نطق در میان پرندگان با ایجاد صدا برای مخابره پیام؛ ۳. قابلیت یادگیری زبان.	اگرچه رابطه کلامی با پرندگان امری محال نیست، اما دامنه این رابطه هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی از منظر قرآن و زیست‌شناسی اختلاف‌هایی دارد.

نام پرنده	رفتار	ارجاع قرآنی	دیدگاه زیستی	توافق یا تضاد
		﴿وَحُتِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِئْنَ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ﴾ (نمل/۱۷)		
غراب (کلاغ)	کند و کاو زمین و تدفین	﴿قَبَعَتِ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحِثُ فِي الْأَرْضِ لِيَرْيَهُ كَيْفَ يَوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ﴾ (مائده/۳۱)	تدفین و کند و کاو زمین در مورد این گونه پرندگان گزارش شده.	رفتارشناسی زیستی مؤید گزارش آیه است.
هدهد	سفر به سرزمین دور و آوردن گزارش سفر	آیات ۲۰-۲۸ سوره نمل	هددها پرندگان مهاجر نیستند و گزارشی از نطق آن‌ها تا کنون ارائه نشده است.	شواهد رفتارشناسی زیستی این گونه پرنده با آنچه از رفتار این پرنده در قرآن آمده است متفاوت است.
طیراً ابابیل	رفتار تهاجمی با پرتاب سنگ	﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (فیل/۳) ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ (فیل/۴)	پرتاب اشیاء در برخی گونه‌های پرندگان به عنوان رفتار تهاجمی برای حفظ قلمرو ذکر شده است.	اگرچه رفتار تهاجمی با پرتاب اجسام در پرندگان در مطالعات رفتارشناسی زیستی گزارش شده اما مطابق بیان قرآنی این پرندگان مهاجم در زمان و مکان معینی به فرمان خداوند برای از بین بردن لشکر فیل آمدند.

از سویی کانون توجه آیات قرآنی در بیان رفتارهای پرندگان مواردی است که با رویکرد فیزیکیالیستی زیستی به این موجودات کاملاً تفاوت دارد که می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. در اغلب آیات قرآنی مورد بحث اشاره به اراده و خواست خداوند شده است که بر همه امور عالم احاطه دارد و اگر بر امری تعلق بگیرد هدهد که تنها پرنده‌ای کوچک با صدای هوووووو پووووو است، گزارش کفر و شرک و مُلک و فرمان‌روایی ملکه‌ای را از دوردست‌ترین سرزمین‌ها برای پیامبر خدا می‌آورد؛ پرندگانی با داود عليه السلام در تسبیح خداوند هم‌نوا می‌شوند و گروهی پرنده فوج فوج برای درهم‌شکستن لشگری با سنگ‌های کلوخین رهسپار می‌شوند.

۲. ذکر نام موجودات دیگر به غیر از انسان در قرآن از پستانداران و حشرات و ماهی‌ها گرفته تا پرندگان از این رو است که توجه مخاطب قرآن را به خالق آنها و قدرت، عظمت و علم او جلب کند.

۳. از نگاه قرآن موجودات هستی به گونه‌ای موجودات ذی‌شعور در تسبیح خداوند معرفی می‌شوند، اگرچه درک این تسبیح برای انسان‌ها ممکن نباشد. به عبارت دیگر از منظر قرآن تنها خصوصیات زیستی و رفتاری یک موجود و به طور خاص از منظر این نوشتار، پرندگان نیست که در آیات قرآنی مورد توجه واقع شده؛ بلکه فرمان‌برداری، تسلیم و تسبیح آنها در برابر خالقشان برای انسان ذکر شده است. برای مثال آیه: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغْ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (نور/ ۴۱) بیانگر این است که در نظام عالم جز مکلف مختار، مانند انسان، هیچ موجودی اهل معصیت و بیراهه رفتن نیست (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۷۸: ۱/ ۵۲۵). خدای سبحان در آیه مذکور برای دفع این توهّم که «عبادت و تسبیح موجودات فقط این است که اصل هستی آنان نشان خضوع آنهاست»، می‌فرماید: آنها نه تنها اهل عبادت و ذکر و تسبیح و نمازند و در پیشگاه خدای سبحان سر می‌سایند، بلکه می‌فهمند چه می‌کنند و به عمل عبادی خویش آگاه‌اند؛ «كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» آنها می‌دانند که تسبیح‌گو و نماز گزارند اما انسان‌ها تسبیح و نماز آنها را نمی‌فهمند؛ (إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِغْ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ). لذا روا نیست گفته شود: آیه شریفه ﴿يَسْبِغْ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ﴾ مقید یا مخصّص عموم یا اطلاق (إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِغْ بِحَمْدِهِ) است؛ زیرا لسان این آیه شریفه که غیر ذی‌شعور را نیز شامل است، از تقیید یا تخصیص ابا و امتناع دارد. ذیل آیه شریفه ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ مانع این احتمال است که (كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ) به معنای «كُلٌّ قَدْ عَلِمَ اللَّهَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ» باشد یعنی خداست که نماز و تسبیح آنها را می‌داند. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۵: ۳۰۱/ ۶). با اثبات نماز برای همه موجودات، یکی از وجوه کاربرد فعل متکلم مع‌الغیر در ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ این است که نمازگزار خود را همراه همه موجودات هستی، مشغول مناجات با پروردگار جهانیان می‌بیند و مانند آنان تنها از او کمک می‌طلبد و در سایه بینش یاد شده، مراقبت از نماز هم برای او آسان‌تر می‌شود، زیرا به خوبی می‌یابد که با

ترک نماز یا تباه ساختن آن، از ردیف بندگان حق بیرون می‌رود و حرکت برخلاف نظام هماهنگ خلقت او را نابود می‌کند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۱/۴۷۹). در تأیید این سخن خانم سارا تلیلی^[۱] نویسنده کتاب حیوانات در قرآن (Animals In The Quran) به جایگاه موجودات غیرانسان در هستی از نگاه قرآن می‌پردازد. از نگاه او حیوانات جایگاهی خاص در نظام خلقت دارند و از همین رو نوح علیه السلام نیز به انتقال جفت‌های حیوانات موجود و حفظ نسل آنها مأمور می‌گردد. تلیلی در کتاب خود بیان می‌دارد که از منظر قرآنی تفاوتی میان مخلوقات نیست و بسیاری از تمایزاتی که انسان‌ها میان خود و سایر جانداران قائلند در پیشگاه ربوبی بی‌معنا است؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» (انعام/ ۳۸) مطابق این آیه از منظر قرآن هر موجودی که از روی آگاهی و قصد، حرکت دارد «دابه» یا جنبنده نامیده و به همین لحاظ انس، جن و فرشته نیز می‌توانند به عنوان «دابه» در نظر گرفته شوند و این موجود چه عاقل باشد و چه غیر عاقل در زیر مجموعه «حیوان» قرار می‌گیرد. طبق نظر او در دیدگاه قرآنی بین انسان و غیرانسان برای آنکه تحت سلطه بی‌چون و چرای پروردگار باشد تفاوتی نیست و خداوند هر آنچه برای رشد غیرانسان‌ها لازم بوده همانند انسان‌ها فراهم آورده، و موجودات چه عاقل و چه غیر عاقل از حیطة قدرت، عظمت و رحمت خداوند بیرون نیستند. در واقع برای ذات اقدس الهی خود مخلوق بودن موضوعیت دارد، چنان‌که خداوند نیازهای یک مورچه را همانند انسان برطرف می‌نماید. «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (طه/ ۵۰) (www.lastprophet.info/animals-in-the-quran-an-interview-with-sarra-tlili).

۴. از سویی نگره آیات قرآنی بیانگر این مدعا است که امکان انجام فعل اخلاقی در حیوانات وجود دارد. دو شاهد بر این مدعا وجود دارد: الف) آیات (نمل: ۲۰-۲۱) است که هدهد را دارای قوه تشخیص و تمیز معرفی می‌کند چه بسا در آیات مذکور این پرنده متهم به دروغ‌گویی می‌شود، و این مطلب می‌فهماند که این حیوان قابلیت فریب دارد. «سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (نمل/ ۲۷)؛ ب) در دو سوره قرآن از «حشر» حیوانات سخن رفته است؛ که این موضوع بیانگر آن است که حیوانات در پیشگاه خداوند مسئول خواهد بود؛ هرچند در مورد احکامی که برای انسان‌ها وضع شده بازخواست نشوند. با توجه به این رویکرد چه بسا حیوانات، اشتراکاتی در زمینه آگاهی، منطق، زبان، معنویت، اخلاقیات و

مسئولیت‌پذیری داشته باشند، اما این موضوع به معنای آن نیست که آنها دقیقاً توانایی‌های انسان را دارند و برای مثال موظف به انجام تکالیف شرعی هستند که بر عهده انسان‌ها است و می‌بایست نسبت به آن پاسخگو باشند (<http://www.lastprophet.info/animals-in-the-qur-an-an-interview-with-sarra-tlili>).

پی‌نوشت

[۱] خانم سارا تللی (Sarra Tlili) استاد ادبیات و زبان عرب در گروه آموزشی مطالعات خاورمیانه در دانشگاه فلوریدا است. او کارشناسی ارشد و دکتری خود را در زمینه ادبیات عرب و مطالعات اسلامی در دانشگاه پنسیلوانیا گذرانده و موضوع پژوهشی خود را در دوره دکتری، حیوانات از منظر قرآن قرار داده است. وی هم اکنون در دوزمینه‌ی پژوهشی مشغول فعالیت است: ۱. حیوانات از منظر حدیث و فقه اسلامی ۲. جایگاه سگ در اسلام.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالتراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳. جمعی از پژوهشگران زیر نظر محمد علی رضایی اصفهانی، علوم مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۴ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش، ج ۱.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۵ ش، ج ۶.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۸ ش، ج ۱۱.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: عدنان صفوان، دارالعلم الشامیه، بیروت: ۱۴۱۲ق.
۸. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر لتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۹. زمانی، آذر؛ بصیری، حمیدرضا، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، «ادراک توحیدی حیوانات در قرآن کریم»، تفسیر پژوهی، شماره ۳، ص ۸۳-۱۱۲.
۱۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۱۱. شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ق.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. طنطاوی، سید محمد، تفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضة مصر، ۱۹۹۷م.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۰. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک الطباعه و النشر، ۱۴۱۹ق.
۲۱. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.

۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.
۲۳. گراهام، اسکات، مبانی رفتارشناسی حیوانات، مترجمین: مرتضی بیکی، امیرحسین بیکی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲ش.
۲۴. مغنیه، محمدجواد، تفسیرالکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۲۵. منصوری، جمشید، پرندگان ایران، تهران: کاج، ۱۳۷۹ش.
۲۶. منصوری، مهرزاد، ۱۳۹۵ش، «اختصاص زبان به نوع انسان از منظر زبان‌شناسی و قرآن کریم»، فصلنامه قرآن و مطالعات زبان‌شناختی، شماره دوم، ص ۱۱-۲۲.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۸. هیأت مؤلفان، زیست‌شناسی عمومی، تهران: نشر دانشگاهی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ش.
29. Colin Harrison & Alen Greensmith, Birds of The World, Dorling Kindersley, London, 1996.
30. David J.T. Sumpter, Collective Animal Behavior, University Press, 2010.
31. Fatik Baran Mandel, Animal Behaviour, PHI learning Private limited, New Dehli, 2012, 2ed.
32. Ed by: Irby J. lovette & John W. Fitz Patrick, Handbook of Bird Biology, United Kingdom, Wiley, 3d ed, 2016.
33. Patric K. Anderson, The Welfare of Domestic Fowl and, Other Captive Birds Springer, Netherland.

34. 33.Stephan, Moss, Understanding Bird Behavior, Blooms Bury, London, Oxford, 1ed, 2015.
35. 34.Sarra Tlili, Animals in the Quran, New York, Cambridge University Press, 2012.
36. www.lastprophet.info/animals-in-the-qur-an-an-interview-with-sarra-tlili